

درآمد: شعری به خط مبین الدوله شیبانی

در حاشیه: مبین الدوله شیبانی

سپیده دم که بیستان وزید باد بهار
دمید رعد همی نفخ صور در اشجار

زمین چو نقش خورنق ز سبزه بست آئین
بباغ و راغ ببارید ابر گوهر بار

زدند خیمه و خرگاه گل بطرف چمن
بنغمهء طرب آواز برکشید هزار

که خامهء ملک بوستان هزاران رنگ
بیانوان گلستان کنون کند ایثار

نخست ز انجمن گلرخان نیک اندام
که صبحدم شده از خواب گلستان بیدار

بنفشه بود مطرز برنگهای بدیع
نکو شمایل و مشکین عذار و سیم عذار

بتن نموده لباسی از ستبرق و سندس
ببر گرفته یکی طبله نافه تاتار

همه ریاحین پروانه وار در گردش
مگر خود او بد پروانه وصال نگار

پیام شاه زنان یعنی آن گل خندان
که بود صانع و صباغ جمعه رنگ و نگار

رسید بود بنفشه که از ظریف لطیف
وگرچه خواهی تا بخشمت بلا انکار

بنفشه گفت مرد سبزی چمن شاید
که خود نهفته کنم اندکی درین گلزار

بلطف ترجمه روزنامه اردن
ز نیک اختر در نظم آمد این گفتار

بدان حدیث نه افزوده و نه کاسته ام
که هست صنعت هر ترجمان بدین هنجار

مبین الدوله شیبانی

The Ghani Collection at Yale